

آیه ۲۱۹ - ۲۲۰

آیه و ترجمه

یسسلونک عن الخمر و المیسر قل فیہما اثم کبیر و منفع للناس و اثمہما اکبر  
من نفعہما و یسلونک ما ذا ینفقون قل العفو کذلک یبین اللہ لکم الایت لعلمکم  
تتفکرون

فی الدنیا و الاخرۃ و یسلونک عن الیتمی قل اصلاح لہم خیر و ان تخالطوہم  
فاخونکم و اللہ یعلم المفسد من المصلح و لو شاء اللہ لا عنتکم ان اللہ عزیز حکیم  
ترجمہ :

۲۱۹ - درباره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: در آنها گناه و  
زیان بزرگی است، و منافی (از نظر مادی) برای مردم در بر دارد، (ولی)  
گناه آنها از نفعشان بیشتر است.

و از تو می پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از مازاد نیازمندی خود.  
این چنین خداوند آیات را برای شما روشن می سازد، شاید اندیشه کنید!  
۲۲۰ - (تا اندیشه کنید) درباره دنیا و آخرت! و از تو درباره یتیمان  
سؤال می کنند، بگو: «اصلاح کار آنان بهتر است. و اگر زندگی خود را  
بازندگی آنان بیامیزید، (مانعی ندارد)، آنها برادر (دینی) شما هستند». (و  
همچون یک برادر با آنها رفتار کنید!) خداوند، مفسدان را از مصلحان، باز  
می شناسد. و اگر خدا بخواهد، شما را به زحمت می اندازد، (و دستور می دهد  
در عین سرپرستی یتیمان، زندگی و اموال آنها را بکلی از اموال خود، جدا  
سازید، ولی خداوند چنین نمی کند)، زیرا او توانا و حکیم است.

شان نزول :

درباره شأن نزول آیه اول گفته اند گروهی از یاران پیامبر خدمتش آمدند  
و عرض کردند: حکم شراب و قمار را که عقل را زائل و مال را تباه می کند بیان  
فرما! آیه نخست نازل شد و به آنها پاسخ داد.

و در شأن نزول آیه دوم در تفسیر قمی از امام صادق (علیه السلام) و در مجمع البیان از ابن عباس چنین نقل شده است:

هنگامی که آیه «و لا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن» (و به مال یتیم جز به بهترین طریق نزدیک نشوید) و آیه «ان الذین یاکلون اموال الیتامی ظلما انما یاکلون فی بطونهم نارا و سیصلون سعیرا» (کسانی که اموال یتیمان را از روی ظلم و ستم می‌خورند، تنها آتش می‌خورند و به زودی به آتش سوزانی می‌سوزند) نازل شد، که در آن از نزدیک شدن به اموال و دارایی یتیمان مگر در صورتی که برای آنان نفعی داشته باشد، و نیز از خوردن اموال آنان نهی شده، مردمی که یتیمی در خانه داشتند، از کفالت وی فاصله گرفتند و او را به حال خود گذاشتند، و حتی گروهی آنان را از خانه خود بیرون کردند، و آنها که بیرون نکردند، در خانه برای آنان وضعی به وجود آورده بودند که کمتر از بیرون کردن نبود، زیرا غذای او را که از مال خودش تهیه می‌شد، با غذای خود مخلوط نمی‌کردند، و حتی جداگانه برای آنان غذا می‌پختند و پس از آنکه آن یتیم در گوشه‌ای از اطاق غذای مخصوص خویش را می‌خورد، زیادی آن را اگر اضافه می‌آمد، برای او ذخیره می‌کردند تا دفعه بعد بخورد و اگر فاسد می‌شد به دور می‌ریختند.

همه این کارها برای آن بود که گرفتار مسؤولیت خوردن مال یتیم نشده باشند این عمل هم برای سرپرستان و هم برای یتیمان مشکلات فراوانی به بار می‌آورد، به دنبال این جریان آنها خدمت پیامبر رسیده و از این طرز عمل سؤال کردند در پاسخ آنها این آیه نازل شد.

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۱۸

تفسیر :

پاسخ به چهار سؤال

آیه اول از دو سؤال درباره شراب و قمار شروع می‌شود، می‌فرماید: از تو درباره شراب و قمار سؤال می‌کنند (یسئلونک عن الخمر والمیسر). «خمر» در لغت در اصل به گفته «راغب» به معنی پوشانیدن چیزی است و لذا به چیزی که با آن می‌پوشانند «خمار» گفته می‌شود هر چند خمار معمولاً به چیزی گفته می‌شود که زن سر خود را با آن می‌پوشاند. در معجم مقاییس اللغة نیز برای «خمر» یک ریشه ذکر کرده که دلالت بر پوشاندن و اختلاط و آمیزش در پنهانی می‌کند و از آنجا که شراب عقل انسان را

می‌پوشاند به آن خمر گفته شده زیرا سبب مستی است و مستی پرده‌ای بر روی عقل می‌افکند و نمی‌گذارد انسان خوب و بد را تشخیص دهد. «خمر» در اصطلاح شرع به معنی شراب انگور نیست بلکه به معنی هر مایع مست‌کننده است خواه از انگور گرفته شده باشد و یا از کشمش یا خرما و یا هر چیز دیگر، هر چند در لغت برای هر یک از انواع مشروبات الکلی اسمی قرار داده شده است.

«میسر» از ماده «یسر» گرفته شده که به معنی سهل و آسان است، و از آنجا که «قمار» در نظر بعضی از مردم وسیله آسانی برای نیل به مال و ثروت است به آن میسر گفته شده است.

سپس در جواب می‌فرماید: «بگو در این دو گناه بزرگی است و منافعی (از نظر ظاهر و جنبه مادی) برای مردم دارد ولی گناه آنها از نفعشان بیشتر است» (قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما اکبر من نفعهما). با توجه به اینکه جامعه عرب جاهلی بسیار آلوده به شراب و قمار بوده حکم تحریم این دو به طور تدریجی و در چند مرحله نازل شده و اگر نرمش و مدارائی در

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۱۹

لحن آیه مشاهده می‌شود به خاطر همین معنی است. در این آیه منافع و زیانهای این دو با هم مقایسه شده و برتری زیانها و گناه‌سنگین آن بر منافع آنها مورد تصریح قرار گرفته است مسلماً منافع مادی که احیاناً از طریق فروش شراب یا انجام قمار حاصل می‌شود و یا منافع خیالی که به خاطر تخدیر حاصل از مستی شراب و غفلت از هموم و غموم و اندوه‌ها به دست می‌آید در برابر زیانهای فوق العاده اخلاقی و اجتماعی و بهداشتی این دو بسیار ناچیز است. بنابراین هیچ انسان عاقلی به خاطر آن نفع کم به این همه زیان تن در نمی‌دهد.

«اثم» به گفته معجم مقاییس اللغة در اصل، به معنی کندی و عقب‌افتادن است، و از آنجا که گناهان، انسان را از رسیدن به خیرات، عقب‌می‌اندازد این واژه بر آن اطلاق شده است، بلکه در بعضی از موارد از آیات قرآن غیر این معنی (کندی و تاخر) مناسب نیست، مانند: و اذا قيل له اتق الله اخذته العزة بالاثم، «و هنگامی که به او گفته شود، تقوا پیشه کن، غرور، و

مقامات موهوم او را از وصول به تقوا، کند می سازد».

به هر حال، اثم به هر کار و هر چیزی گفته می شود که حالتی در روح و عقل به وجود می آورد، و انسان را از رسیدن به نیکیها و کمالات باز می دارد، بنابراین وجود «اثم کبیر» در شراب و قمار، دلیل بر تاثیر منفی این دو در رسیدن به تقوا و کمالات معنوی و انسانی است که شرح آن در نکته ها خواهد آمد.

سومین سؤال که در آیه فوق مطرح است، سؤال درباره انفاق است، می فرماید: «از تو سؤال می کنند چه چیز انفاق کنند» (و یسئلونک ما ذا ینفقون).

«بگو از مازاد نیازمندیهایتان» (قل العفو).

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۲۰

در تفسیر در المنثور، در شان نزول این قسمت از آیه، از ابن عباس، چنین نقل شده که گروهی از صحابه و یاران پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) سؤال کردند (اینکه می گوئید در راه خدا انفاق کنید) مانمی دانیم چه مقدار از اموال خود را انفاق کنیم آیا همه را در راه خدا به نیازمندان بدهیم یا مقداری از آن را.

در پاسخ آنها آیه فوق، نازل گردید و به آنها دستور داد در انفاق خود رعایت عفو کنید، اکنون ببینیم عفو در اینجا به چه معنی است؟

«عفو» در اصل - به گفته راغب در مفردات - به معنی قصد برگرفتن چیزی است یا به معنی چیزی که برگرفتن آن آسان است.

و از آنجا که این معنی، بسیار گسترده است، بر مصادیق گوناگونی اطلاق شده، از جمله بخشش و آمرزش، از بین بردن اثر، حد وسط و میانه هر چیز، و مقدار اضافی چیزی، و بهترین قسمت مال، ظاهراً دو معنی اول متناسب با مفهوم آیه نیست و به نظر می رسد، مراد یکی از سه معنی اخیر باشد، یعنی در انفاق حد وسط را رعایت کنید و یا مقدار اضافی از نیازمندیهای خود را انفاق نمائید و یا به هنگام انفاق به سراغ قسمتهای بی ارزش مال نروید، از بهترین قسمتها که برگرفتن آن برای خودتان به خاطر مرغوبیت سهل و آسان است در راه خدا نیز از همان انفاق کنید. در روایات اسلامی نیز، آیه فوق به همین معنی تفسیر شده است.

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم که فرمود: العفو الوسط: «منظور از عفو (در آیه فوق) حد وسط است».

و در تفسیر علی بن ابراهیم می خوانیم لا اقتار و لا اسراف: «نه سختگیری

باشد و نه اسراف».

و در «مجمع البیان» از امام باقر (علیه السلام) آمده است: عفو، مازاد خوراک سال است.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۲۱

احتمال دیگری که در تفسیر این آیه می‌توان گفت (هر چند آن را در کلمات هیچ یک از مفسران ندیده‌ایم) این است که عفو به همان معنی اول، یعنی مغفرت و گذشت از لغزش دیگران است، مطابق این معنی، تفسیر آیه چنین می‌شود: «بگو بهترین انفاق، انفاق عفو و گذشت است».

با توجه به اوضاع اجتماعی عرب جاهلی و محل نزول قرآن، مخصوصاً مکه و مدینه که از نظر دشمنی و کینه‌توزی، و عدم گذشت، در حد اعلای بودند، این احتمال چندان دور نیست، به خصوص اینکه شخص پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز نمونه کامل این معنی بود، همان گونه که اعلام عفو عمومی، نسبت به مشرکان مکه که سرسخت‌ترین و سنگدل‌ترین دشمنان اسلام بودند نشان می‌دهد، و هیچ مانعی ندارد که آنها سؤال از انفاق اموال کنند، ولی نیاز شدید آنها به انفاق عفو، سبب شود که قرآن آنچه را لازمتر است، در پاسخ بیان کند و این یکی از شؤون فصاحت و بلاغت است که گوینده پاسخ سؤال طرف را رها کرده و به‌مهمتر از آن می‌پردازد.

در میان این تفاسیر، تضادی وجود ندارد و ممکن است همه آنها در مفهوم آیه جمع باشد.

و بالاخره در پایان آیه می‌فرماید: «خداوند آیات خود را چنین بیان می‌کند شاید تفکر و اندیشه کنید» (کذلک یبین الله لکم الايات لعلکم تتفکرون).

و بلافاصله در آیه بعد، مرکز اصلی فکر و اندیشه را چنین بیان می‌کند: «در دنیا و آخرت» (فی الدنيا و الاخرة).

آری باید تمام کارها در زندگی مادی و معنوی، تواءم با فکر و اندیشه باشد، از

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۲۲

این تعبیر، دو نکته روشن می‌شود: نخست اینکه انسان گر چه موظف است در برابر خدا و پیامبرش، تسلیم باشد، ولی این اطاعت، به معنی اطاعت کورکورانه نیست، بلکه اطاعتی است آمیخته با آگاهی، باید از اسرار احکام الهی نه فقط در زمینه تحریم شراب و قمار، بلکه در همه زمینه‌ها، و لو اجمالاً آگاه گردد،

و با درک صحیح آنها را انجام دهد.

معنی این سخن آن نیست که اطاعت احکام الهی، مشروط به درک فلسفه آنهاست، بلکه منظور این است که به موازات این اطاعت، باید بکوشد تا از اسرار و روح احکام خدا آگاه گردد.

دیگر اینکه: اندیشه باید در تمام زمینه‌ها انجام گیرد، برای نیازمندیهای جسم و جان، روح و بدن، چرا که دنیا و آخرت به هم مربوطند، و ویرانی هر یک در دیگری اثر می‌گذارد. اصولاً اندیشه درباره یکی از این دو به تنهایی نمی‌تواند ترسیم صحیحی، از واقعیت این عالم، در اختیار انسان بگذارد، چرا که هر یک از این دو بخشی از این عالم است، دنیا بخش کوچکتر، و آخرت بخش عظیمتر و آنها که تنها درباره یکی از این دو می‌اندیشند، تفکر درستی از عالم هستی ندارند.

سپس به چهارمین سؤال و پاسخ آن می‌پردازد و می‌فرماید: «از تو درباره یتیمان سؤال می‌کنند» (و یسئلونک عن الیتامی).

«بگو اصلاح کار آنان بهتر است» (قل اصلاح لهم خیر).

«و اگر زندگی خود را با آنان بیامیزید (مانعی ندارد) آنها برادر شما هستند» (و ان تخالطوهم فخالطوهم).

به این ترتیب قرآن، به مسلمانان گوشزد می‌کند که شانه خالی کردن از زیر بار مسؤولیت سرپرستی یتیمان، و آنها را به حال خود واگذاردن، کار درستی نیست،

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۲۳

بهتر این است که سرپرستی آنها را بپذیرید، و کارهای آنان را سامان دهید و اصلاح کنید، و اگر زندگی و اموال آنها با زندگی و اموال شما مخلوط گردد مشکلی نیست، در صورتی که نظر شما اصلاح باشد و بسان یک برادر، با آنها رفتار کنید.

سپس اضافه می‌کند: «که خداوند مفسد را از مصلح می‌شناسد» (والله یعلم المفسد من المصلح)

آری او از نیات همه شما آگاه است، و آنها که قصد سوء استفاده از اموال یتیمان دارند، و با آمیختن اموال آنها با اموال خود، به حیف و میل اموال یتیمان می‌پردازند را از دلسوزان پاکدل واقعی می‌شناسد.

و در پایان آیه می‌فرماید: «خداوند اگر بخواهد می‌تواند کار را بر شما سخت

بگیرد و شما را به زحمت اندازد (و در عین دستور دادن به سرپرستی یتیمان، دستور دهد که اموال آنها را به کلی از اموال خود جدا سازید، ولی خداوند هرگز چنین نمی کند) زیرا او توانا و حکیم است» (و لو شاء الله لا عنتکم ان الله عزیز حکیم).

### نکته‌ها

#### ۱ - رابطه احکام چهارگانه بالا

همان گونه که ملاحظه کردید، چهار سؤال در دو آیه فوق، درباره مسأله «شراب» و «قمار» و «انفاق» و «یتیمان»، همراه پاسخ آنها آمده است، ذکر این چهار سؤال و جواب با یکدیگر ممکن است، به این جهت باشد که واقعا مردم گرفتار این چهار مسأله و درگیر با آنها بودند، لذا پی در پی درباره این چهار موضوع سؤال می کردند (توجه داشته باشید که یسئلونک فعل مضارع و

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۲۴

دلیل بر استمرار است).

این احتمال نیز وجود دارد که این هر چهار مورد به نحوی با مسایل مالی مربوط است، شراب و قمار، مایه تباهی اموال، و انفاق مایه شکوفائی آن و سرپرستی یتیمان، ممکن است مفید و یا مخرب باشد. دیگر اینکه: انفاق جنبه عمومی و همگانی و جنبه اخروی و اصلاح دارد، و شراب و قمار جنبه خصوصی و مادی و افساد دارد و اصلاح کاریتیمان نیز دارای هر دو جنبه عمومی و خصوصی است، و به این ترتیب مصداق تفکر در دنیا و آخرت می باشد.

و از اینجا رابطه خمر و میسر (شراب و قمار) نیز روشن می شود، زیرا هر دو مایه تباهی اموال، و فساد جامعه، و انواع بیماریهای جسم و جان انسان هستند.

#### ۲ - زیانهای نوشابه‌های الکلی

الف - اثر الکل در عمر: یکی از دانشمندان مشهور غرب اظهار می دارد که هر گاه از جوانان ۲۱ ساله تا ۲۳ ساله معتاد به مشروبات الکلی ۵۱ نفر بمیرند در مقابل از جوانهای غیر معتاد ده نفر هم تلف نمی شوند.

دانشمندان مشهور دیگری ثابت کرده است که جوانهای بیست ساله که انتظار می رود پانجاه سال عمر کنند در اثر نوشیدن الکل بیشتر از ۳۵ سال عمر نمی کنند.



بر اثر تجربیاتی که کمپانیهای بیمه عمر کرده‌اند ثابت شده است که عمرمعتادان به الکل نسبت به دیگران ۲۵ الی ۳۰ درصد کمتر است. آمارگیری نشان می‌دهد که حد متوسط عمر معتادان به الکل در حدود ۳۵ الی ۵۰ سال است، در صورتی که حد متوسط عمر با رعایت نکات بهداشتی از ۶۰ سال به بالا است.

ب - اثر الکل در نسل: کسی که در حین انعقاد نطفه مست است ۳۵ درصد عوارض الکلیسم حاد را به فرزند خود منتقل می‌کند و اگر زن و مرد هر دو مست باشند، صد درصد عوارض حاد در بچه ظاهر می‌شود برای اینکه به اثر الکل در

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۲۵

فرزندان بهتر توجه شود آماری را در اینجا می‌آوریم:

کودکانی که زودتر از وقت طبیعی به دنیا آمده‌اند از پدران و مادران الکلی ۴۵ درصد، و از مادران الکلی ۳۱ درصد، و از پدران الکلی ۱۷ درصد، بوده‌اند. کودکانی که هنگام تولد توانائی زندگی را ندارند، از پدران الکلی ۶ درصد، و از مادران الکلی ۴۵ درصد، کودکانی که کوتاه قد بوده‌اند از پدران و مادران الکلی ۷۵ درصد و از مادران الکلی ۴۵ درصد بوده‌است، کودکانی که فاقد نیروی کافی عقلانی و روحی بوده‌اند از مادران و از پدران الکلی نیز ۷۵ درصد بوده است.

ج - اثر الکل در اخلاق: در شخص الکلی عاطفه خانوادگی و محبت نسبت به زن و فرزند ضعیف می‌شود بطوریکه مکرر دیده شده که پدرانی فرزندان خود را با دست خود کشته‌اند.

د - زیانهای اجتماعی الکل: طبق آماری که «انستیتوی» پزشکی قانونی شهر نیون در سال ۱۹۶۱ تهیه نموده است جرایم اجتماعی الکلیستها از این قرار است:

مرتکبین قتل‌های عمومی ۵۰ درصد. ضرب و جرحها در اثر نوشیدن الکل ۷۷ / ۸ درصد سرقت‌های مربوط به الکلیستها ۸۸ / ۵ درصد. جرایم جنسی مربوط به الکلیها ۸۸ / ۸ درصد، می‌باشد. این آمار نشان می‌دهد که اکثریت قاطع جنایات و جرایم بزرگ در حال مستی روی می‌دهد.

ه - زیانهای اقتصادی مشروبات الکلی: یکی از روان پزشکیهای معروف می‌گوید: متاسفانه حکومتها حساب منافع و عایدات مالیاتی شراب



رامی کنند، ولی حساب بودجه‌های هنگفت دیگری را که صرف ترمیم مفساد شراب می‌شود، نکرده‌اند، اگر دولتها حسابهای ازدیادبیماریهای روحی را در اجتماع و خسارتهای جامعه منوط، و اتلاف‌وقتهای گرانبها، و تصادفات رانندگی در اثر مستی، و فساد نسلهای پاک، و تنبلی و بی‌قیدی و بی‌کاری، و عقب ماندن فرهنگ و زحمات و گرفتاریهای پلیس، و پرورشگاهها جهت سرپرستی اولاد الکلیها و بیمارستانها، و تشکیلات دادگستری برای جانیات آنها و زندانها برای مجرمین از

---

### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۲۶

الکلیها، و دیگر خسارتهای ناشی از میگساری را یک جا بکنند خواهند دانست در آمدی که به عنوان عوارض و مالیات شراب عاید می‌گردد، در برابر خسارت نامبرده هیچ است، بعلاوه نتایج اسف‌انگیز صرف‌مشروبات الکلی را تنها با دلار و پول نمی‌توان سنجید، زیرا مرگ عزیزان، و به هم خوردن خانواده‌ها، و آرزوهای بر باد رفته و فقدان مغزهای متفکر انسانی، به هیچ وجه قابل مقایسه با پول نمی‌باشد.

خلاصه ضررهای الکلی آنقدر زیاد است که به گفته یکی از دانشمندان اگر دولتها ضمانت کنند در نیمی از میخانه‌ها را ببندند می‌توان ضمانت کرد که از نیمی از بیمارستانها و تیمارستانها بی‌نیاز شویم.

از آنچه گفته شد، معنی آیه مورد بحث به خوبی روشن می‌گردد که اگر در تجارت مشروبات الکلی سودی برای بشر باشد و یا فرضاً چند لحظه‌بی خبری و فراموش کردن غمها برای او سودی محسوب شود، زیان آن به درجات بیشتر، وسیعتر و طولانیتر است بطوری که این دو با هم قابل مقایسه نیستند.

### ۳- آثار شوم قمار

کمتر کسی را می‌توان یافت که از زیانهای گوناگون قمار بی‌خبر باشد، برای توضیح بیشتر گوشه‌های از عواقب شوم و خانمان برانداز آن را بطور فشرده یادآور می‌شویم:

الف - قمار بزرگترین عامل هیجان: کلیه روانشناسان و دانشمندان پیسیکولوژی، معتقدند که هیجانات روانی عامل اصلی بسیاری از بیماریهاست، مثلاً کم شدن ویتامین‌ها، زخم معده، جنون و دیوانگی، بیماریهای عصبی روانی به صورت خفیف و حاد و مانند آنها در بسیاری از موارد ناشی از هیجان می‌باشند، و قمار بزرگترین عامل

پیدایش هیجان است تا آنجا که یکی از دانشمندان امریکا می‌گوید: در هر سال در این کشور فقط دو هزار نفر در اثر هیجان قمار می‌میرند، و

---

### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۲۷

بطور متوسط قلب یک «پوکرباز» (یک نوع بازی قمار) متجاوز از صد بار در دقیقه می‌زند، قمار گاهی سخته قلبی و مغزی نیز ایجاد می‌کند، و قطعاً عامل پیری زودرس خواهد بود.

بعلاوه به گفته دانشمندان شخصی که مشغول بازی قمار است، نه تنه‌ها روح وی دستخوش تشنج است بلکه تمام جهازات بدن او در یک حالت فوق العاده بسر می‌برند، یعنی ضربان قلب بیشتر می‌شود، مواد قندی در خون او می‌ریزد، در ترشحات غدد داخلی اختلال حاصل می‌شود، رنگ صورت می‌پرد، دچار بی‌اشتهایی می‌شود، و پس از پایان قمار به دنبال یک جنگ اعصاب و حالت بحرانی به خواب می‌رود، و غالباً برای تسکین اعصاب و ایجاد آرامش در بدن متوسل به الکل و سایر مواد مخدر می‌شود، که در این صورت زیانهای ناشی از آن را نیز باید به زیانهای مستقیم قمار اضافه کرد.

از زبان دانشمندان دیگری می‌خوانیم: قمارباز، انسانی مریض است که دائماً احتیاج به مراقبت روانی دارد، فقط باید سعی کرد به او فهماند که یک خلع روانی وی را به سوی این عمل ناهنجار سوق می‌دهد، تا در صدد معالجه خویش بر آید.

ب - رابطه قمار با جنایات: یکی از بزرگترین مؤسسات آمارگیری جهانی ثابت کرده است که: ۳۰ درصد جنایتها با قمار رابطه مستقیم دارد، و از عوامل به وجود آمدن ۷۰ درصد جنایات دیگر نیز بشمار می‌رود.

ج - ضررهای اقتصادی قمار: در طول سال میلیونها بلکه میلیاردها از ثروت مردم جهان در این راه از بین می‌رود، گذشته از ساعات زیادی که از نیروی انسانی در این راه تلف می‌شود، و حتی نشاط کار مداوم را در ساعات دیگر سلب می‌کند، مثلاً در گزارشها چنین آمده است: در شهر «مونته کارلو» که یکی از مراکز معروف قمار در دنیا است، یک نفر در مدت ۱۹ ساعت قمار بازی ۴ میلیون تومان ثروت خود را از دست داد، وقتی درهای قمارخانه بسته شد یک راست به جنگل رفت، و با یک گلوله مغز خویش را متلاشی کرد، و به زندگی خود خاتمه داد، گزارش دهنده اضافه

---

می‌کند، جنگلهای «مونت کارلو» بارها شاهد خودکشی این پاک‌بازها بوده است.

د - زیانهای اجتماعی قمار: بسیاری از قماربازان به علت اینکه گاهی برنده می‌شوند و در یک ساعت ممکن است هزاران تومان سرمایه‌دیگران را به جیب خود بریزند، حاضر نمی‌شوند تن به کارهای تولیدی و اقتصادی بدهند، در نتیجه چرخهای تولید و اقتصاد به همان نسبت لنگ می‌شود، و درست اگر دقت کنیم می‌بینیم که، تمام قماربازان و عائله آنان سربار اجتماع هستند، و بدون اینکه کمترین سودی به این اجتماع برسانند از دست رنج آنها استفاده می‌کنند، و گاهی هم که در بازی قمار باختند، برای جبران آن دست به سرقت می‌زنند.

خلاصه زیانهای ناشی از قمار بحدی است که حتی بسیاری از کشورهای غیر مسلمان آن را قانوناً ممنوع اعلام داشته‌اند اگر چه عملاً بطور وسیع آن را انجام می‌دهند.

مثلاً انگلستان در سال ۱۸۵۳، امریکا در سال ۱۸۵۵، شوروی در سال ۱۸۵۴ و آلمان در سال ۱۸۷۳ قمار را ممنوع اعلام نمودند.

در پایان این بحث اشاره به این موضوع جالب به نظر می‌رسد، که طبق آماری که بعضی از محققان تهیه کرده‌اند جیب‌بری ۹۰ درصد، فساد اخلاق ۱۰ درصد، ضرب و جرح ۴۰ درصد، جرایم جنسی ۱۵ درصد، طلاق ۳۰ درصد و خودکشی ۵ درصد، معلول قمار است.

اگر بخواهیم یک تعریف جامعی برای قمار تهیه کنیم، باید بگوییم: قمار یعنی قربانی کردن مال و شرف برای بدست آوردن مال غیر به خدعه و تزویر و احیاناً به عنوان تفریح و نرسیدن به هیچکدام.

تا اینجا به ضررهای جبران ناپذیر خمر و میسر (شراب و قمار) توجه شد و لازم است به یک نکته دیگر نیز توجه کنیم، و آن اینکه: چرا خداوند به هنگام سرزنش و نهی از شرابخواری به منافع آن اشاره کرده‌است، در حالی که میدانیم

منافع آنها در برابر زیان آنها بسیار ناچیز است. ممکن است نکته آن این باشد که اولاً در عصر جاهلیت (مانند عصر ما) معامله

شراب و بهره‌برداری از قمار، بسیار رواج داشت و اگر به این موضوع اشاره نمی‌شد شاید بعضی از کوتاه‌فکران تصور می‌کردند، مسئله به صورت یک جنبه بررسی شده.

به علاوه همیشه افکار انسان بر محور سود و زیان دور می‌زند، و برای نجات او از چنگال مفاسد اخلاقی بزرگ باید از همین منطق استفاده کرد. ضمناً آیه مورد بحث به پاره‌های از گفته‌های پزشکان که مشروبات الکلی را در مبارزه با بعضی از بیماریها مفید می‌دانند، نیز عملاً پاسخ گفته است که این گونه منافع اجتماعی هیچ گاه با زیانهای ناشی از آن قابل مقایسه نیست، یعنی اگر روی یک بیماری اثر مثبت داشته باشد، ممکن است سرچشمه بیماریهای خطرناکتری گردد، و این که در پاره‌های از روایات وارد شده که خداوند در مشروبات الکلی شفانیا فریده است، شاید اشاره به همین حقیقت باشد.

#### ۴ - اعتدال در مساله انفاق

با اینکه انفاق از مهمترین مسائلی است که اسلام و قرآن، روی آن تکیه کرده، ولی با این حال اجازه نمی‌دهد، بی حساب و افراطی باشد. آن چنان که زندگی انفاق کننده را دچار نابسامانی کند، آیه فوق بنابر بعضی از تفاسیر، ناظر به همین معنی است، و نیز می‌تواند اشاره به این حقیقت باشد که بعضی از افراد، برای شانه خالی کردن از زیر بار این دستور مهم اسلامی غالباً نیازهای خودشان را مطرح می‌کنند، قرآن می‌گوید: بسیاری از شما اضافات و زوایدی از زندگی خود دارید حد اقل از آنها انتخاب کنید و انفاق نمائید.

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۳۰

#### ۵ - اندیشه در همه چیز

جمله لعلمک تتفکرون فی الدنيا و الاخرة درس مهمی به مسلمانان می‌آموزد که آنها هیچکاری را چه در زندگی مادی و چه در زندگی معنوی، بدون فکر و اندیشه انجام ندهند، حتی تبیین آیات الهی برای بندگان نیز برای برانگیختن اندیشه‌ها و حرکت به سوی تفکر است، و چه بیچاره هستند مردمی که نه کارهای دینیشان روی فکر و اندیشه است، و نه کارهای دنیایشان.

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۳۱

## آیه و ترجمه

و لا تنكحوا المشركات حتى يؤمن و لامة مومنة خير من مشركة ولو اعجبتکم و لا تنكحوا المشركين حتى يؤمنوا و لعبد مؤمن خير من مشرك و لو اعجبکم اولئک يدعون الى النار و الله يدعوا الى الجنة والمغفرة باذنه و يبين آياته للناس لعلهم يتذكرون

ترجمه :

۲۲۱ - و با زنان مشرک و بت پرست، تا ایمان نیاورده اند، ازدواج نکنید! (اگر چه جز به ازدواج با کنیزان، دسترسی نداشته باشید، زیرا) کنیز با ایمان، از زن آزاد بت پرست، بهتر است، هر چند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد. و زنان خود را به ازدواج مردان بت پرست، تا ایمان نیاورده اند، در نیاورید! (اگر چه ناچار شوید آنها را به همسری غلامان با ایمان در آورید، زیرا) یک غلام با ایمان، از یک مرد آزاد بت پرست، بهتر است، هر چند (مال و موقعیت و زیبایی او)، شما را به شگفتی آورد. آنها دعوت به سوی آتش می کنند، و خدا دعوت به بهشت و آمرزش به فرمان خود می نماید، و آیات خویش را برای مردم روشن می سازد، شاید متذکر شوند!

## شان نزول :

شخصی به نام مرثد که مرد شجاعی بود از طرف پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مامور شد که از مدینه به مکه برود و جمعی از مسلمانان را که آنجا بودند با خود بیاورد، وی به قصد انجام فرمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد مکه شد در آنجا با زن زیبایی به نام عناق که در زمان جاهلیت او را می شناسخت برخورد نمود آن زن او را مانند گذشته به گناه دعوت کرد اما مرثد که دیگر مسلمان شده بود تسلیم خواسته او نشد، آن زن تقاضای ازدواج نمود مرثد گفت: این امر موکول به اجازه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است، او پس

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۳۲

از انجام ماموریت خود به مدینه بازگشت و جریان را به اطلاع پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رساند این آیه نازل شد و بیان داشت که زنان مشرک و بت پرست شایسته همسری و ازدواج با مردان مسلمان نیستند.

تفسیر :

ازدواج با مشرکان ممنوع است

مطابق شان نزولی که در بالا آمد، این آیه نیز در واقع پاسخ به سوال دیگری درباره ازدواج با مشرکان است، می‌فرماید: با زنان مشرک و بت پرست مادام که ایمان نیاورده‌اند ازدواج نکنید (و لا تنکحوا المشرکات حتی یؤمن). سپس در یک مقایسه، می‌افزاید: کنیز با ایمان از زن آزاد بت پرست بهتر است، هر چند زیبایی او شما را به اعجاب وادارد (و لامة مومنة خير من مشرکة و لو اعجبکم).

درست است که ازدواج با کنیزان (مخصوصا کنیزانی که نه بهره‌چندانی از زیبایی دارند و نه مال) در عرف مردم جالب و پسندیده نیست به‌خصوص اینکه در مقابل آنها زن مشرک زیبا یا ثروتمندی باشد ولی ارزش ایمان، کفه ترازوی مقایسه را به نفع کنیزان، سنگینتر می‌کند، چراکه هدف از ازدواج، تنها کامجویی جنسی نیست، زن شریک عمر انسان و مربی فرزندان او است و نیمی از شخصیت او را تشکیل می‌دهد، با این حال چگونه می‌توان شرک و عواقب شوم آن را با زیبایی ظاهری و مقداری مال و ثروت، مبادله کرد.

سپس به بخش دیگری از این حکم پرداخته، می‌فرماید: دختران خود را نیز به مردان بت پرست مادامی که ایمان نیاورده‌اند ندهید (هر چند ناچار شوید آنها را به همسری غلامان با ایمان در آورید زیرا) یک غلام با ایمان از یک مرد آزاد بت پرست بهتر است، هر چند (مال و موقعیت و زیبایی او) شما را به اعجاب آورد (و لا تنکحوا المشرکین حتی یؤمنوا و لعبد مؤمن خير من مشرک و لو اعجبکم).

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۳۳

بنابراین همان گونه که از ازدواج مردان مؤمن با زنان مشرک و بت پرست نهی شده، ازدواج مردان مشرک با زنان مؤمن نیز ممنوع است حتی غلامان با ایمان بر آنها ترجیح و اولویت دارند، و از مردان زیبا و ثروتمند و ظاهرا با شخصیت کافر برتر و شایسته‌تر بلکه مساله در این بخش از حکم، سخت‌تر و مشکل‌تر است، چرا که تاثیر شوهر بر زن معمولا از تاثیر زن بر شوهر بیشتر است. در پایان آیه نیز دلیل این حکم الهی را برای به کار انداختن اندیشه‌ها بیان می‌کند، می‌فرماید: آنها (یعنی مشرکان) به سوی آتش دعوت می‌کنند، در حالی که خدا (مومنانی که مطیع فرمان او هستند) به فرمانش دعوت به بهشت و آمرزش می‌کند (اولئک یدعون الی النار و الله یدعوا الی الجنة و المغفرة باذنه).

سپس می‌افزاید: و آیات خود را برای مردم روشن می‌سازد، شاید متذکر شوند (و یبین آیاته للناس لعلهم یتذکرون).

### نکته‌ها

#### ۱ - فلسفه تحریم ازدواج با مشرکان

چنانکه دیدیم آیه فوق در یک جمله کوتاه، فلسفه این حکم را بیان کرده که اگر آن را بشکافیم، چنین می‌شود: ازدواج پایه اصلی تکثیر نسل و پرورش و تربیت فرزندان و گسترش جامعه است، و محیط تربیتی خانواده در سرنوشت فرزندان، فوق العاده موثر است، از یک سو آثار قطعی وراثت، و از سوی دیگر آثار قطعی تربیت در طفولیت زیرانوزادان، بعد از تولد غالباً در دامن پدر و مادر پرورش می‌یابند و درسالهایی که سخت شکل‌پذیرند، زیر نظر آنها هستند. از سوی سوم شرک، خمیر مایه انواع انحرافات، و در واقع آتش سوزانی است، هم در دنیا و هم در آخرت، لذا قرآن اجازه نمی‌دهد که مسلمانان، خود یا فرزندان‌شان را در این آتش بیفکنند، از این گذشته مشرکان که افراد بیگانه از

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۳۴

اسلامند، اگر از طریق ازدواج به خانه‌های مسلمانان راه یابند، جامعه اسلامی گرفتار هرج و مرج و دشمنان داخلی می‌شود، ولی این تا زمانی است که آنها بر مشرک بودن پافشاری می‌کنند، اما راه به روی آنها باز است، می‌توانند ایمان بیاورند و در صفوف مسلمین قرار گیرند، و به اصطلاح کفو آنها در مساله ازدواج شوند.

ضمناً واژه نکاح در لغت، هم به معنی آمیزش جنسی آمده، هم به معنی عقد ازدواج، و در اینجا منظور، عقد ازدواج است، هر چند راغب در مفردات می‌گوید: نکاح در اصل به معنی عقد است، سپس مجازاً در آمیزش جنسی به کار رفته است.

#### ۲ - مشرکان چه اشخاصی هستند؟

واژه مشرک در قرآن، غالباً به بت پرستان اطلاق شده، ولی بعضی از مفسران معتقدند که مشرک شامل سایر کفار مانند یهود و نصارا و مجوس (و به طور کلی اهل کتاب) نیز می‌شود، زیرا هر کدام از این طوائف برای خداوند شریکی قائل شدند، نصارا قائل به خدایان سه‌گانه (تثلیث) و مجوس قائل به خدایان دوگانه اهور مزدا و اهریمن (ثنویت) و یهود، عزیر را فرزند خدا می‌دانستند، ولی این عقائد گرچه شرک‌آور است اما با توجه به اینکه در آیات متعددی



مشرکان در برابر اهل کتاب قرار گرفته‌اند و با توجه به اینکه یهود و نصارا و مجوس در اصل متکی به نبوت راستین و کتاب آسمانی هستند، معلوم می‌شود که منظور قرآن از مشرک، همان بت پرست است. حدیث معروفی که از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که در ضمن وصایای خود فرمود: مشرکان را از جزیره العرب بیرون کنید شاهد این مدعی است چرا که به طور مسلم اهل کتاب از جزیره العرب اخراج نشدند بلکه به عنوان یک اقلیت مذهبی طبق دستور قرآن با دادن جزیه در پناه اسلام زندگی می‌کردند.

### ۳- این آیه منسوخ نشده است

بعضی از مفسران گفته‌اند که حکم در آیه فوق، منسوخ شده و ناسخ آن آیه

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۱۳۵

و المحصنات من الذین اتوا الکتاب می‌باشد، که اجازه ازدواج با زنان اهل کتاب را می‌دهد.

این تصور از آنجا پیدا شده که گمان کرده‌اند آیه مورد بحث، ازدواج با همه کفار را تحریم کرده، بنابراین آیه ۵ سوره مائده که اجازه ازدواج با کفار اهل کتاب را می‌دهد، ناسخ این حکم می‌باشد (یا مخصص آن است) ولی با توجه به آنچه در تفسیر آیه فوق گفته شد معلوم می‌شود که این آیه فقط نظر به ازدواج با بت پرستان دارد، نه کفار اهل کتاب، مانند یهود و نصارا، (البته در مورد ازدواج با کفار اهل کتاب، نیز قرائنی در آیه و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) است که نشان می‌دهد منظور فقط ازدواج موقت است).

### ۴- تشکیل خانواده باید با دقت و مطالعه باشد

بعضی از مفسران معاصر، در اینجا اشاره به نکته ظریفی کرده‌اند، و آن اینکه: آیه مورد بحث و ۲۱ آیه دیگر که به دنبال آن می‌آید احکام مربوط به تشکیل خانواده را در ابعاد مختلف بیان می‌کند، و در این آیات دوازده حکم در این رابطه بیان شده است: ۱- حکم ازدواج با مشرکان ۲- تحریم نزدیکی در حال حیض ۳- حکم قسم به عنوان مقدمه‌ای برای مساله ایلاء (منظور از ایلاء آن است که کسی سوگند یاد کند با همسرش نزدیکی نکند) ۴- حکم ایلاء و به دنبال آن طلاق، ۵- عده نگه داشتن زنان مطلقه، ۶- عده طلاقها ۷- نگه داشتن زن با نیکی یا رها کردن بانیکی ۸- حکم شیر دادن نوزادان ۹- عده زنی که شوهرش وفات کرده ۱۰- خواستگاری از زن قبل از تمام شدن عده او

۱۱ - مهر زنان مطلقه قبل از دخول ۱۲ - حکم متعه (هدیه دادن) به زن بعد از وفات شوهر یا طلاق گرفتن و این احکام با تذکرات اخلاقی و تعبیراتی که نشان می‌دهد مساله تشکیل خانواده نوعی عبادت پروردگار است، و باید همراه با فکر و اندیشه باشد آمیخته شده است.

بعد ←

↑ فحش

→ قبل